

آماد و پشتیبانی (لجستیک) نزاجا در جنگ تحمیلی*

مقدمه

در تدبیر عملیاتی، عوامل حساس، مانور و آتش پشتیبانی تعریف می‌شود که برای پیروزی در جنگ بدون اطمینان از یک لجستیک کارآمد و کافی و مستمر امکان‌پذیر نمی‌باشد. تفاسیر گوناگونی در تعریف لجستیک و راهبرد آن عنوان شده است ولی خلاصه اینکه لجستیک به مجموعه فعالیت‌های آماد - ترابری - تعمیر و نگهداری - تخلیه و بستری - ساختمان - امور کارگری اطلاق می‌شود.

اظهار نظر در این مورد که برای پشتیبانی از یک رزمنده ۱۴ نفر بایستی در پشت جبهه فعالیت نمایند کافی نیست. بلکه پشتیبانی از یک ارتش در جنگ، در جمیع جهات عزم ملی را با استفاده از کلیه ظرفیتهای مالی - مادی - کشاورزی - تکنولوژی - اجتماعی و سیاسی طلب می‌نماید.

در پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ گرچه ارتش از نظر سازمانی - سلسله مراتب انضباط و سازمان اداری آسیب دید اما با فرمان امام از پاشیدگی و اضمحلال رهایی یافت.

علیرغم نارسایی در یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی یگان‌های لجستیکی شامل: آمادگاه‌های عمومی - صحرایی - مهمات دست نخورده و قادر به انجام وظیفه و مأموریت‌های واگذاری بودند.

اقدام عمده و قطعات یدکی جهت مداومت عملیات را آمادگاهها ذخیره داشتند. پس از شروع جنگ تحمیلی، وزارت دفاع، معاونت لجستیکی و فرماندهی لجستیکی نزاجا از هر طریق ممکن در تأمین نیازمندی یگان‌ها تلاش کردند. به‌علت تحریم تجهیزات و ادوات آمریکایی، یگان‌های تعمیراتی نهایت تلاش را در آماده سازی وسایل و تجهیزات به‌عمل آوردند. تیمهای تعمیراتی و مراکز صنعتی و کارخانجات دولتی و خصوصی با اعزام گروه‌های تعمیراتی به جبهه تأثیر قابل ملاحظه‌ای در حاضربرکاری تجهیزات داشتند. بطور کلی خرید خارجی و تهیه قطعات یدکی تانک و خودرو - توپ و قطعات یدکی الکترونیکی، در مقایسه با آنچه دشمن دریافت می‌کرد بسیار ناچیز بود. طبیعی است که هزینه‌های دو کشور در رابطه با جنگ نیز برابر و نامتعادل باشد در چنین جنگ نابرابر لجستیکی، مقاومت هشت ساله و بیرون راندن دشمن در مقاطع مختلف، بهبودگی ادامه تجاوز را بر متجاوز آشکار ساخت. در حالی‌که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران متکی به ایمان - فداکاری - شجاعت رزمندگان و تواناییهای خود در دفاع مقدس تلاش می‌کرد.

* سرتیپ ۲ ستاد مرتضی بایندریان (شادروان)

از سوی دیگر دشمن بعضی بطور مستمر در ایجاد رابطه با شیوخ عرب و حکومت‌های حامی خود برای دریافت کمک‌های خارجی از هر طریق و به هر صورت فعالیت می‌کرد.

علیرغم اینکه ۹۵ درصد ساز و برگ نیروی نظامی عراق، ساخت روسیه بود، حتی فروش عظیم سلاح‌های ساخت روسیه، به وسیله ارتش مصر که می‌خواست خود را از شر تجهیزات نظامی شرقی خلاص و در تسلیحات خود تجدید نظر کند، نیازهای ارتش عراق را برآورد نکرد. بدین منظور به کشورهای مختلف روی آورد و کشورهای اتریش - آلمان - فرانسه - انگلیس - شیلی - برزیل - چین - روسیه، حتی کشور بی‌طرف سوئیس در فروش انواع تجهیزات به عراق، مقابل ایران بودند.

در ۱۹۸۲ روسها در یک نیاز دو طرفه با عراق، تجهیز ارتش عراق را از سر گرفتند. در هنگامی که ابتکار عمل در جنگ زمینی، کاملاً با نیروهای مسلح ایران بود، روسیه نمی‌خواست شکست عراق را که هم پیمان او بود بپذیرد، زیرا در تجارت تسلیحاتی آینده او اثرات منفی داشت.

تاریخ جنگ، گفته و ناگفته‌های بسیار دارد که ناگفته‌های لجستیکی آن پس از جنگ و اطلاع از آنچه مطبوعات بین‌المللی و مندرجات خبرنگاران، مورخان و دست‌اندرکاران می‌نگارند تجزیه و تحلیل فعالیت‌های انجام شده را آسان و تجارب حاصله را در اختیار آیندگان می‌گذارد. در این چند صفحه سعی کرده‌ام مقداری از آن روی سکه را نیز بنویسم.

اهمیت لجستیک (آمد و پش)

بدون برآورد صحیح و حصول اطمینان از کفایت آمادهای ده‌گانه: جیره - تجهیزات - اقلام بهداشتی - سوخت - مهمات - اقلام عمده جایگزین - قطعات یدکی و از عناصر مهم آن پشتیبانی (تعمیراتی - ترابری) و ذخیره عملیاتی مهمات اجرای کامل مأموریت مورد تردید است.

آمد طبقه ۱

الف - یگان‌های مستقر در مناطق عملیاتی با داشتن جیره عملیاتی - اضطراری، جز در موارد جابجایی سریع یا زمانهای حساس حمله و دفاع، از غذای گرم استفاده نمی‌نمودند. در منطقه عقبه یگان‌ها و پشتیبانی مناطق، خبازخانه‌ها و آشپزخانه ثابت و صحرایی مستقر بودند. حتی در بیشتر مناطق، در نیمه دوم سال ۵۹ به بعد، کارخانه‌های یخ‌سازی مستقر بود که در حمل و نقل و استهلاک خودرو جهت حمل یخ از شهرستانها و کیفیت تدارک یخ صرفه‌جویی می‌شد.

ب - دشمن به تقلید از سیستمهای لجستیکی ارتشهای غرب، از جیره‌ها و کنسروهای متفاوت استفاده می‌کرد.

آماد طبقه ۲

الف - فرماندهی (آماد و پیش) نزاجا در طول جنگ تحمیلی، پوشاک و تجهیزات مورد نیاز را از طریق مناقصه با کارخانجات داخلی تهیه می‌نمود. کارگاه خیاطی سازمانی و مستقل نیز در خیابان خواجه نظام‌الملک و آبیگ دایر نموده بود. در سالهای دوم جنگ به بعد با زندانهای مشهد - اصفهان - قزل حصار - تبریز و کرمان جهت دوخت پوشاک، عقد قرارداد شد که با احتساب تهیه پوتین ملی و خرید از سایر تولید کنندگان داخلی و تهیه پوشاک و تجهیزات بطور کلی، در تهیه آماد طبقه ۲ خود کفایی کامل وجود داشت.

ب - در مشاهدات وضع ظاهری اسرای عراقی مشخص گردید که کل پوشاک و تجهیزات آنان خارجی و وارداتی می‌باشد.

سر رشته داری ارتش عراق، ظرفیت تهیه تجهیزات و ملبوس ارتش در حال توسعه و افزایش کمی صدام را نداشت. بعلت حمایت‌های دلاری شیوخ عرب و استخدام عمده نیروی کار در ارتش، تمایلی به ایجاد کارخانجات و تولیدات داخلی در نظام بعثی عراق دیده نمی‌شد. بنابراین به دنبال رفع نیاز از خارج و خریدهای خارجی از واسطه‌های سرشناسی بود که قادر به ایجاد روابط بین‌المللی حسنه بخصوص با آمریکا باشند. در این مورد جان میچل وزیر دادگستری دولت نیکسون، بدنبال ماجرای واترگیت شرکت مشاوره‌ای بین‌المللی پژوهش جهانی را تأسیس کرد. شریک وی یکی از افسران نیروی دریایی آمریکا، بنام سرهنگ جک برنان، مشاور نظامی نیکسون بود.

در سال ۱۹۸۳ برنان با سرکیس سوغنالیان آشنا شد که قرار بود نخستین فروش هلیکوپترهای آمریکایی به عراق را به انجام برساند. این سرکیس سوغنالیان بزرگترین دلال تسلیحاتی عراق بوده است.

در سال ۱۹۸۳ آنها در بازگشت از بغداد در ژنو توقف در آنجا با آگینو معاون سابق ریاست جمهوری آمریکا در دوران نیکسون صحبت کرد. آگینو نماینده شرکت پان‌ایست بود

که برای ارتش عراق یونیفرم نظامی تهیه می‌کرد. پان‌ایست به شرکتهای کرهای و تایوانی برای تهیه پوشاک روی آورد، اما آنها نمی‌توانستند سفارش ۱۸۱ میلیون دلاری عراق را یکجا انجام دهند.

برنان وقتی از همه جا ناامید شد، بخاطر آورد که بلوک شرق با توجه به نیروی ارزان کار که تقریباً در حد صفر است، برای این سفارش مناسب است.

بدین ترتیب پای ریچارد نیکسون به فروش وسایل نظامی به عراق باز شد. روز ۳ می ۱۹۸۴ نامه‌ای به نیکولای چائوشسکو رئیس جمهور وقت رومانی نوشت. چائوشسکو دوست شخصی او بود. در این نامه برنان و میچل را به رهبر رومانی معرفی نمود. در نامه آمده بود مطمئن هستم که این رابطه که به‌منظور تولید یونیفرم نظامی و لوازم است، بسیار موفقیت‌آمیز و دیرپا خواهد بود. به شما اطمینان می‌دهم که سرهنگ برنان و جان میچل وزیر سابق دادگستری آمریکا در کار، بر روی این پروژه با نمایندگان شما مسئولانه و سازنده عمل خواهند کرد.

نامه نیکسون کار خود را کرد. چائوشسکو قول مساعد داد. بدینگونه رومانی هم در فهرست فروشندگان لوازم نظامی به عراق جای گرفت.

آماد طبقه ۳: سوخت

با تشکیل ستاد سوخت در شرکت نفت و حضور نمایندگان لجستیکی (آماد و پیش) نزاجا و در ستاد یاد شده و همکاری شرکتهای نفت مناطق و استانها، هرگز مشکلی در تدارک سوخت وجود نداشت. تدارک سوخت در منطقه، با تانکرهای ۵ و ۲۹ هزار لیتری بعمل آمد. در منطقه غرب و شمال‌غرب، سوخت قرارگاه‌ها در نوار مرزی برف‌گیر، با تهیه حلب‌های ۲۰ لیتری نفت، وسیله شرکت نفت کرمانشاه و حمل آن با خودروهای کفی بنز ۲۶۲۶ صورت می‌گرفت که قبل از شروع سرما، سوخت رسانی حلب یگان‌های نظامی و مردم محلی و بومی پایان یافته بود.

آماد طبقه ۵

در سالهای ۵۰ تا ۵۲ که در سیمت معاون آمادگاه مهمات دو کوهه مشغول انجام وظیفه بودم، یکی از مشکلات ما، تخلیه مهمات ۱۳۰ میلیمتری روسی بود که از جلفا با قطار به دو کوهه حمل و می‌بایستی تخلیه شود. در سال ۵۱ بعضی مواقع تا ۱۵۰ واگن مهمات منتظر تخلیه بود. راه‌آهن مکاتبه می‌کرد که بعلت نداشتن واگن، در جلفا با مشکل حمل مواجه است. تخلیه مهمات ۱۳۰م.م که دو نوع ضعیف و قوی داشت، بعلت نداشتن طناب دستگیره بسیار سخت و طاقت فرسا بود. وزن جعبه مهمات حدود ۷۰ کیلوگرم بود و پرتاب آن موقع تخلیه بعلت صدمه دیدن پوکه ممنوع بود. برای من این سؤال مطرح بود که چنین حجم عظیم مهمات بی حساب سفارش شده است. ولی بعد در زمان جنگ متوجه شدم که محاسبه ذخیره عملیاتی و بار مبنای این مهمات با توجه به کاربرد آن صحیح بوده است. همچنین سایر مهمات به اندازه کافی در آمادگاهها وجود داشت و پس از انهدام آمادگاه مهمات دوکوهه در روزهای اول جنگ مشکلی ایجاد نکرد. زیرا از آمادگاههای خرم‌آباد و منظریه قم درخواست مهمات شد و شبانه مهمات واصله در اطراف حسینیه و ضلع شمالی زاغه‌های مصون مانده از انفجار، انبار شد و آماد مهمات قطع نشد.

در سال ۶۰ سازمان صنایع دفاع به ساخت مهمات تند مصرف همت گمارد. گرچه در مأموریتی در اردیبهشت ۶۰ به خارج از کشور، مقداری مهمات تأمین شد که در مقیاس خمپاره قابل توجه بود. ولی سازمان صنایع دفاع، کل مهمات مورد نیاز را در کالیبرهای مختلف تأمین نمود. حتی در سالهای ۶۴ و ۶۵ که در منطقه غرب و شمال غرب مشکل نگهداری مهمات را داشتیم، سازمان صنایع دفاع در ساخت انبارهای مهمات نیز کمک شایان توجه نمود.

اصولاً آماد مهمات توسط گروهانهای مهمات پشتیبانی مناطق انجام می‌شد. پشتیبانی منطقه ۱ با در اختیار داشتن دو پادگان مهماتی گلمانخانه و سلمان فارسی، آسوده خاطر بود. زیرا در صورت وقوع عملیات در هر یک از مناطق شمال غرب و غرب، از دو محور تدارک مهمات را انجام می‌داد. نقاط آمادی مختلفی در عقبه لشکرها، وسیله گردانهای لجستیک (آماد و پیش) مراغه و کرمانشاه تأسیس که حتی به تنهایی قادر به تأمین مهمات مصرفی و ترمیم مهمات بار مینا و ذخیره عملیاتی گردانها و گروه‌های توپخانه نیز بودند.

اصولاً در تدارک مهمات - برآورد صحیح مهمات - آماد به موقع و مستمر و رعایت امنیت در تشکیل نقاط مهماتی مستلزم انتخاب آماد راه تدارکاتی دوبله است که در مواقع اضطراری و آسیب دیدن یک محور آمادی، یگان پشتیبانی کننده قادر به تأمین نیازهای واحد عملیاتی بخصوص در تدارک مهمات باشد. گروهان‌های مهماتی مجاور باید بتوانند عملیات آماد رسانی یکدیگر را پوشش بدهند.

هرگز در نوشته‌ای و گزارشی و خاطراتی کسی از مهندسين و کارکنان زحمتکش و ایثارگر سازمان صنایع دفاع در ساخت جنگ‌افزار و مهمات نام نبرده است که ضمن تأمین نیاز یگان‌ها، از خروج ارز جهت خرید مهمات از خارج، نیز نقش اساسی داشتند. زیرا فروشندگان تجهیزات و مهمات در زمان جنگ، قیمت‌ها را بطور سرسام‌آور افزایش داده و صرفنظر از آن، در جهت اهداف کشور متبوعشان، زمان تحویل و مقدار تحویلی را نیز دخل و تصرف می‌نمودند.

رانندگان گردان‌های ترابری پشتیبانی مناطق، به خصوص پشتیبانی منطقه ۱ با توجه به مسئولیت‌های سنگین و کمبود خودرو، به تنهایی قادر به حمل مهمات در منطقه گسترده عملیاتی جنگ نبودند. خودروها و کامیون‌های استیجاری که با همت و غیرت همکاری داشتند بسیار کارساز بودند و گاهی در مناطقی چون منطقه عملیاتی قادر در ارتفاعات کلاشین که، بنزهای ۲۶۲۶ و خاور، توان جابجایی مهمات نداشتند، فقط خودروهای ماک حتی نوع قدیمی و فرسوده آن نسبت به حمل و تخلیه مهمات فعالیت داشتند که در تاریخ جنگ از آنان نامی برده نشده است.

همانطور که روش تدارک مهمات را می‌دانید، آماد مهمات، تحویل و توزیع در نقطه است. در صورتیکه در عملیات، مسئولین نقاط مهماتی انواع خمپاره‌ها و مهمات توپخانه را به تفکیک قبلاً در خودروها بارگیری نموده و در صورت درخواست یگان توپخانه خودرو را با مهمات اعزام و در بنه گردان‌های توپخانه تخلیه و پس از مراجعت مجدداً بارگیری و آماده توزیع می‌شدند.

اگر به جنگ‌های عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلی شاه قاجار توجه کنیم، سربازان در حین عملیات موظف به جمع‌آوری پوکه و برگشت آن بودند. در نتیجه هنگام عملیات عده‌ای

مشغول جمع‌آوری پوکه‌ها در میدان رزم بوده و بر اثر ترکش یا گلوله جان خود را از دست می‌دادند. در طول جنگ تحمیلی، اثری از کمبود مهمات در عملیات مختلف دیده نشد.

شیمیایی

خیرالله طلفاح پدر زن صدام حسین و پدر ارتشبد عدنان خیرالله وزیر دفاع عراق، روستایی فقیر و بی‌سواد اهل العوجه، در مقام شهردار بغداد، با سرمایه ۵۰۰ میلیون دلاری ۱۷ شرکت تجاری در بغداد را اداره می‌کرد.

نامبرده که تصور می‌کرد صاحب‌نظر و تئوریسین است. در یکی از نوشته‌های خود می‌گوید ۳ موجودی که بهتر بود خدا نمی‌آفریدشان (ایرانیان - یهودیان - مگس‌ها) هستند و لذا برای هر حشره، حشره‌کش خاص لازم است.

جنگ افروزان عراقی به این نتیجه رسیده بودند که در مقابل حملات زمینی غافلگیرانه نیروهای مسلح ایران، سخت آسیب‌پذیرند و به‌فکر سلاحهای باز دارنده توپخانه با حجم آتش زیاد و سلاح شیمیایی افتادند. اولین اقدام، در سال ۱۹۸۱ عقد قراردادی با آلمان به مبلغ ۲۱/۴ میلیون دلار و تأسیس آزمایشگاه دیاله بود. در کارخانجات مجتمع شیمیایی سامره، به مساحت ۱۶۰ کیلومتر مربع، انواع گاز خردل - اسیدپروسیک تا گازهای عصبی سارین و تابون تولید می‌شد.

کشورهای ایران و عراق هر دو کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنوا امضاء کرده بودند. که به‌موجب این کنوانسیون، استفاده از سلاحهای شیمیایی و میکروبی در میدانهای جنگ ممنوع است. ولی دولت بعثی عراق مفاد کنوانسیون ژنو را زیر پا گذاشت و سلاحهای شیمیایی را در صحنه‌های جنگ با ایران «جزایر مجنون - منطقه فاو - شلمچه - نفت‌شهر» حتی در درگیری‌های داخلی با مردم عراق و کردها به‌طور وسیعی مورد استفاده قرار داد.

ایران با شواهد فزاینده‌ای که از همکاری شرکتهای اروپایی در تولید سلاحهای شیمیایی در دست داشت، به‌منظور محکوم کردن عراق در دادگاه افکار عمومی جهان و جلب توجه جهانیان در ماه مارس ۱۹۸۴ (۱۳۶۲) قربانیان سلاحهای شیمیایی را به بیمارستان پاریس - لندن - لوزان - استکهلم و توکیو اعزام نمود.

کشور آلمان که شرکتهای وابسته آن در تولید این سلاحها شریک جرم بودند، در بیمارستان کلن گروههایی از مجروحان شیمیایی را پذیرش نموده و در واقع دست‌آورد اعمال خلاف خود را آزمایش می‌کردند. در سال ۱۳۶۵ در بمباران شیمیایی منطقه نفت‌شهر و سومار، بیماران مجروح بیمارستان صحرایی سومار، به بیمارستان کلن در آلمان اعزام شدند.

دو نکته جالب

- ۱- اروپای غربی و مدافعین حقوق بشر عمل خلاف عرف و قوانین بین‌المللی عراق را به سادگی (گناهی قابل پیش‌بینی) از سوی عراق تلقی کردند.
- ۲- بنا بر عقیده تیمرمن نویسنده کتاب سوداگری مرگ، سلاحهای شیمیایی در جنگ تحمیلی علیرغم تلفات تأثیری در روحیه نیروهای مسلح ایران نگذاشت و پس از اعمال آن وسیله عراق، نیروهای ایرانی بارها و بارها به حملات خود ادامه دادند، به نحوی که کارگزاران عراق در کاربرد مؤثر این سلاحها شک نمودند.

اقدام عمده

طی هشت سال جنگ ۳۹ کشور به عراق و ایران کم و بیش اسلحه فروختند که برخی از آنان هم به ایران و هم به عراق اسلحه فروختند مانند کره‌شمالی و چین، ولی به هر صورت سهم خرید اسلحه ایران در مقابل عراق بسیار ناچیز می‌نمود.

به‌دنبال پیروزی‌های ایران در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، دلارهای نفتی اعراب در حمایت از صدام حسین به‌طرف بغداد سرازیر شد. در ۱۳۸۵ که از جانب آمریکایی‌ها فروش سلاح حتی قطعات یدکی به ایران تحریم شد. عراق تنها نقطه امید فروشندگان بین‌المللی شد. عراق علاوه بر خرید اسلحه از کشورهای اروپایی بخصوص فرانسه و غرب با استفاده سرشار از دلارهای نفتی عملاً به صنایع تسلیحاتی جهان سوم نیز کمک کرد. پاره‌ای از این کشورها در حالی که از سیر کردن شکم مردم خود بر نمی‌آمدند «برزیل - شیلی - چین - آفریقای جنوبی - مصر - آرژانتین» از تجارت اسلحه با عراق به سودهای بادآورده‌ای دست یافتند. برخی، سلاحهای ارزان قیمت به عراق می‌فروختند و به طور غیر مستقیم تکنولوژی پیشرفته غربی را در اختیار عراق می‌گذاشتند.

هنگامی که ارتش عراق در برابر حملات سنگین نیروهای مسلح ایران قرار گرفت به‌دنبال جنگ‌افزارهایی بود که قادر به کشتار دسته‌جمعی باشد؛

نقش فرانسه

پس از نمایشگاه هوایی پاریس، طارق عزیز با همتای فرانسوی‌اش کلودشسون که از طرفداران تقویت مناسبات فرانسه با جهان سوم بود، ملاقات نمود، زیرا نه سابقه استعماری انگلیس را داشتند نه مانند ایالات متحده آمریکا سیاست یک جانبه حمایت از اسرائیل را فرانسه که تظاهر می‌کرد هم بیطرف است و هم هدفهای استعماری ندارد عملاً متحد خوبی برای عراق بود و می‌گفت که عراق برای تأمین نیازهایش به غرب روی آورده است. میشل ژوبر وزیر تجارت فرانسه نیز طرفدار اعراب بود.

در اکتبر ۱۳۶۰ فرانسه فهرست بلند بالایی از سلاح و طرح‌های صنعتی به صدام ارائه داد، فرانسه در نظر داشت این کشور را اولین طرف تجاری عراق قرار داده و گوی سبقت را از آلمان برآید. بنابراین زمینه‌ها چیده شد تا فرانسوامیتران اصول را کنار گذاشته و در ۲۱ فوریه ۱۹۸۲ (۲ اسفند ۱۳۶۰) قرارداد تسلیحاتی به ارزش ۲/۶ میلیارد دلار را وسیله کلودشسون با عراق امضاء نمود.

توپخانه سنگین و مهمات آن - صدها موشک اگزوسه - زره‌پوش برنارد و اقلامی از این دست، انواع میراژها از جمله جنگ‌افزارهایی بودند که فرانسه به عراق داد، عراق به این نتیجه رسیده بود که برای مقابله با حملات سنگین اگر نخواهد مانند حملات سالهای ۶۱، اضمحلال ارتش خود را به چشم ببیند، ارزان‌ترین و کارآمدترین سلاح، همان توپخانه است. عراق که جمعیت آن یک‌سوم جمعیت ایران بود، حساب می‌کرد که از دست دادن گلوله توپ با صرفه‌تر از آن است که نیروهایش را به‌خطر اندازد و با کمبود نیرو مواجه شود.

در طول سالهای جنگ ایران و عراق، صدام هیأت‌های خرید توپخانه راه، به کشورهای «شوروی - چین - یوگوسلاوی» حتی آفریقای جنوبی - با اینکه سازمان ملل متحد در ۱۹۷۷ هر نوع معامله تسلیحاتی با رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی را ممنوع اعلام کرده بود - اعزام داشت.

در ۱۹۸۴ ژنرال نجیب جناب، رئیس تدارکات، ارتش عراق با لباس شخصی در حومه ژوهانسبورک میدان تیر هنگ ۴ پیاده نظام توپ ۱۵۵ میلیمتری جی ۵ را آزمایش کرد که بلندترین لوله توپ جهان را داشت و تا فاصله ۴۲ کیلومتری را هدف قرار می‌داد.

نوبت مصر

به‌دنبال تجدید سازمان تسلیحاتی ارتش مصر، شانس به عراق روی آورد و در نتیجه مقادیر زیادی سلاحهای ساخت شوروی (شامل: هواپیما - موشک - قطعات یدکی) در دهه‌های ۱۹۷۰ خود را به ارتش عراق فروخت که رقم آن تا اواخر سال ۱۹۸۰ به یک میلیارد دلار می‌رسید.

سود چین

پیش از نواختن شیپور جنگ از طرف صدام حسین، چینی‌ها صدها تانک ساخت دهه ۱۹۵۰ و آتشبار توپخانه و نفربر زرهی را به عراق فروختند و از شر این تجهیزات خلاصی یافتند. ۱۳۰۰ تانک فروخته شده به عراق به قدری ارزان قیمت و ناکارآ بود که تعمیرات آن به صرفه نبوده و ارتش عراق ترجیح داد آنان را پس از تعمیری شدن در منطقه رها کند. این قرارداد در ۲ دسامبر ۱۹۸۰ مبلغ یک میلیارد دلار برای عراق آب خورد.

برگشت روسیه

روسیه با احتیاط و پیش‌گیری از رسوخ مستشاران غربی در ارتش، در نوامبر ۱۹۸۲، تعداد ۱۲۰۰ مستشار روسی را به عراق فرستاد و با اعزام ۴۰۰ تانک تی ۵۵ - ۲۵۰ تانک تی ۷۲ - موشکهای فراک ۷ - سام ۹ - اسکاد B و جنگنده‌های میک ۲۵ و هلیکوپترهای ام‌ای ۲۴، حضور مجدد تسلیحات خود را در ارتش عراق تثبیت کرد. مجموعه این ابزار آلات، غرور کاذب رهبران حزب بعث را برانگیخت و آنان را پس از جنگ بی‌نتیجه هشت ساله به سمت کویت سوق داد که این کشور (کویت) تاوان سخت واگذاری جزیره بوبیان و دلارهای نفتی خود را به عراق با قدرشناسی عراق پس داد.